

از نظر ارتباط موضوع

و

روشن کردن جهات قضیه

این بنده را مجموعه‌ای هست که از چهل سال قبل هر مطلب مفید و به درد بخوری در کتابها دیده‌ام از نشر و نظم در آن گرد آورده و نام آنرا «خزانه» گذارده‌ام و هنوز هم تکمیل آن ادامه دارد.

اخیراً مقاله مفید و مستندی که استاد اجل محیط طباطبائی در پاسخ استاد محترم دیگری مرقوم فرموده بودند و بنده (در شماره دهم دوره دهم) تا پایان مطالعه کرده‌ام، یادم آمد مقاله‌ای را از مرحوم عباس اقبال آشتیانی که در سفر ۱۳۴۰ هـ. ق در یکی از مجلات قدیم نوشته است در آن مجموعه ثبت کرده‌ام، و چون نسبت به موضوع مورد بحث بی‌ارتباط نیست لذا قسمتی از آنرا ذیلا درج می‌کنم:

... ایرانی مدت صد سال بخواری سخت در قید استیلای عرب سر کرد و از متمصبین آن قوم، مخصوصاً از بنی امیه که به جهات عدیده از عنصر عجمی متنفر بودند، اهانتهای دید. ولی از تعلیم و تحصیل دانش که عرب این دوره از آن محروم و بی‌نصیب بودند، دست برداشت.

علم و ادب اجداد خود را از زبان فارسی عهد ساسانی (پهلوی) به عربی

که زبان علمی و ادبی عصر او بود درآورد ، تا هم دیگران از آن بهره بردارند و تعلیم یابند ، و هم بوسیله قرائت معاصر جلیله فرش به عظمت شأن این قوم پی ببرند .

مخصوصاً عده‌ای از ایرانیها کتب قدیمه پهلوی را به عربی ترجمه کردند ، تا به آن وسیله به اعراب مفاخرت نمایند ، این نوع کوشش‌های ایرانیان ملت پرست ، و اختلاط ایشان با عرب سبب شد که تازی نژادان نیز به علم و ادب توجه کنند و در انتشار علوم و آداب قدیمه مؤید و ناصر ایرانیها و ملل قدیمه دیگر شوند . مقصود از تمام این مقدمات آنکه دانسته شود آثار قدیمه ایرانی در ابتدای

امرفدای استیلای عرب شد ، و چون توجهی به آنها نبود مقدار زیادی از آن ازمیان رفت ؛ اما وقتی که باقتضای احتیاج ، انظار به آثار مزبور توجه گشت ، ایرانیانی که آنها را محفوظ داشته و به آداب قدیمه آشنا بودند ، آنها را به خلفاء و زمامداران عرب آموختند و در ممالک اسلامی منتشر ساختند .

مطلبی که در این مقاله منظور کلی گوشزد کردن آن بود اینکه : تمام آثار ایرانی را تعصب عرب ازمیان نبرده ، بلکه با تمام کوشش که قوم ایرانی در حفظ شئون و شعائر قدیمه و آثار و آداب اجدادی خویش داشته‌اند ، باز دست جماعتی از خیانت پیشگان عجم به محو آثار مزبور آلوده است ؛ یعنی کاسه‌های

گرمتر از آتش که باقتضای مهمان‌نوازی همه وقت در این مرزوبوم بوده‌اند ، برای تملق و خودنمایی یا بغرض شخصی ، در انقراض آداب و آثار قدیمه به عرب کمک کرده ، بلکه در بعضی موارد از ایشان مه پیش‌تر رفته‌اند ؛ مثلاً : از زمان

خلیفه ثانی تا عصر عبدالملک بن مروان اموی [همچنین سلطان اموی از ۲۴ - ۸۶ هجری] و حکومت حجاج بن یوسف عامل او بر عراقین [مشهورترین امیر

اموی ضرب‌المثل در ظلم و اعساق] ، دو اوین یعنی دفاتر مالیه و جمع و خرج ممالک اسلامی در دست غیر عرب (ایرانی - شامی - مصری) بوده و اهل هر ولایتی دیوان خود را بزبان و خط خویش می‌نوشتند . از جمله ، دیوان عراق در دست ایرانیها بود و بزبان پهلوی نوشته می‌شد ، این دیوان را در عصر حجاج شخص

اداره می کرد معروف به «زادان فرخ» و دبیری داشت به نام « صالح بن - عبدالرحمن » که پدر او را مسلمین از سیستان به اسیری آورده بودند . صالح چون پیش حجاج منزلی نداشت و زبردست زادان فرخ می زیست ، از مقام خود راضی نبود . روزی به زادان فرخ گفت :

چون تو واسطه ای مابین من و امیری ، می بینم که امیر مرا پست می شمارد و امیدی نیست که ترقی یابم و به منزلی عالی تر برسم و بر تو تقدم جویم ...

زادان فرخ گفت : هرگز این خیال را در خاطر خطور مده و بدان که او به من محتاجتر است تا من بدو . زیرا غیر از من کسی را نخواهد یافت که کار ویوان را کفایت کند .

صالح گفت : من کفایت این کار را می توانم و اگر بخواهی آنرا به عربی نیز تحویل می کنم .

زادان گفت : سطری چند تحویل کن تا ببینم . صالح تحویل کرد ، زادان را این امر گران آمد و او را امر به تمارض داد ، لیکن خو او در فتنه ابن الاشعث - در سال ۸۲ هجری از میان رفت .

حجاج بعد از کشته شدن زادان فرخ ، صالح را جانشین او کرد و چون از گفتگوی صالح و زادان فرخ در باب نقل دیوان از پهلوی به عربی اطلاع یافته بود ، او را به تحویل دیوان به عربی و ادار نمود .

مراد شاه پسر زادان فرخ پیش صالح آمد و خواست بوسیله طرح مشکلات او را از این عمل خائنه بازدارد ، لیکن بانصراف خاطر او قادر نیامد . آخر از سوز دل او را مخاطب ساخته گفت :

خداوند ریشهات را از دنیا قطع کند که ریشه زبان فارسی را قطع کردی !

يك نفر دیگر از ایرانیها حاضر شد که صد هزار درهم به صالح بدهد

وصالح بجز خود در تحویل دیوان نزد حجاج اقرار آورد ، اما صالح زیر بار نرفت و دیوان را به عربی نقل نمود .
 عبدالملك ، مقارن همین اوقات ، مسكوكات اسلامى را هم كه تا این عصر روی آنها برومى و فارسى نوشته مى شد ، امر داد به عربى نوشتند ، و حجاج را وادار كرد كه بوسيله خارج كردن ایرانیها و رومیها از كارها به نفوذ عجمها خاتمه دهد ؛ حجاج هم اطاعت كرد و راه موافقت رفت .
 چنانكه دیده مى شود ، این عمل خائنه صالح (پایاید گفت طالع) ، ریشه زبان فارسى را كه تا آن عصر (سال ۸۲) بواسطه سمى جماعتى ایرانی باحسن باقى مانده بود ، قطع كرد و آخرین آثار خط پهلوى كه یادگار عصر ساسانى بود بدست ناپاك او پاك شد .
 آیا عمل زشت این يك نفر ایرانی برای مردم وطن پرست ایران از تمام لطمات عرب ناگوارتر نبود ؟ ...

پایان مقاله مرحوم اقبال كه در ۵۱ سال قبل نوشته شده است

جایزه ادبی

شهرداری رامسر بمناسبت جشنهای دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران از شاعران ایران دعوت کرده بود كه تعداد ۲۵۰۰ بیت شعر بر وزن شاهنامه فردوسی كه بازگوكننده تاریخ دودمان پهلوی باشد بسرایند و برای سراینده بهترین شعر جایزه ای نیز تعیین کرده بود .
 از بین شاعران ایران ۲۰ نفر در این مسابقه شركت جستند و بقرارات اطلاع خانم توران بهرامی وکیل پایینك دادگستری گوی سبقت را ربود و جایزه ای دریافت داشته است .